

# کتاب ناحوم نبی

۱ وحی درباره نینوی. کتاب رویای ناحوم القوشی. ۲ یهوه خدای غیور و انتقام گیرنده است. *خد/وند* انتقام گیرنده و صاحب غضب است. *خد/وند* از دشمنان خویش انتقام می گیرد و برای خصمان خود خشم را نگاه می دارد. ۳ *خد/وند* دیر غضب و عظیم القوت است و گناه را هرگز بی سزا نمی گذارد. راه *خد/وند* در تند باد و طوفان است و ابرها خاک پای او می باشد. ۴ دریا را عتاب می کند و آن را می خشکاند و جمیع نهرها را خشک می سازد. باشان و کرمل کاهیده می شوند و گل لبنان پژمرده می گردد. ۵ کوهها از او متزلزل و تلها گداخته می شوند و جهان از حضور وی متحرک می گردد و ربع مسکون و جمیع ساکنانش. ۶ پیش خشم وی که تواند ایستاد؟ و در حدت غضب او که تواند برخاست؟ غضب او مثل آتش ریخته می شود و صخره ها از او خرد می گردد. ۷ *خد/وند* نیکو است و در روز تنگی ملجا می باشد و متوکلان خود را می شناسد. ۸ و به سیل سرشار، مکان آن را بالکل خراب خواهد ساخت و تاریکی دشمنان او را تعاقب خواهد نمود. ۹ کدام تدبیر را به ضد *خد/وند* توانید نمود؟ او دفعه هلاک خواهد کرد و مصیبت دفعه دیگر بر پا نخواهد شد. ۱۰ زیرا اگرچه مثل خارها به هم پیچیده و مانند می گساران مست بشوند، لیکن چون کاه خشک بالکل سوخته خواهند شد. ۱۱ مشیر بلیعال که به ضد *خد/وند* بد می اندیشد، از تو بیرون آمده است.

۱۲ *خد/وند* چنین می گوید: «اگرچه ایشان در قوت سالم و در شماره نیز بسیار باشند لیکن منقطع شده، در خواهند گذشت. و اگر چه تو را ذلیل ساختم، لیکن بار دیگر تو را ذلیل نخواهم نمود. ۱۳ و الآن یوغ او را از گردن تو خواهم شکست و بندهای تو را خواهم گسیخت.» ۱۴ و *خد/وند* درباره تو امر فرموده است که بار دیگر ذریتی به نام تو نخواهد بود و از خانه خدایانت بتهای تراشیده و اصنام ریخته شده را منقطع خواهم نمود و قبر تو را خواهم ساخت زیرا خوار شده ای. ۱۵ اینک بر کوهها پایهای مبشر که سلامتی را ندا می کند! ای یهودا عیده های خود را نگاه دار و

نذرهای خود را وفا کن زیرا که مرد بلیعال بار دیگر از تو نخواهد گذشت بلکه بالکل منقطع خواهد شد.

## ۲

خراب کننده در مقابل تو برمی آید. حصار را حفظ کن، راه را دیدبانی نما، کمر خود را قوی گردان و قوت خویش را بسیار زیاد کن.<sup>۲</sup> زیرا خداوند عظمت یعقوب را مثل عظمت اسرائیل باز می آورد و تاراج کنندگان ایشان را تاراج می کنند و شاخه های موهای ایشان را تلف می نمایند.<sup>۳</sup> سپر جباران او سرخ شده و مردان جنگی به قرمز ملبس و ارابه ها در روز تهیه او از فولاد لامع است و نیزه ها متحرک می باشد.<sup>۴</sup> ارابه ها را در کوچه ها بتندی می رانند، در چهارسوها بهم برمی خورند. نمایش آنها مثل مشعلها است و مانند برقه ها می دوند.<sup>۵</sup> او بزرگان خود را به یاد می آورد و ایشان در راه رفتن لغزش می خورند. دوان دوان به حصار می آیند و منجنیق را حاضر می سازند.<sup>۶</sup> دروازه های نهرها گشاده است و قصر گداخته می گردد.<sup>۷</sup> و حصب برهنه شده، (به اسیری) برده می شود و کنیزانش مثل ناله فاخته ها سینه زنان ناله می کنند.<sup>۸</sup> و نینوا از روزی که به وجود آمد، مانند برکه آب می بود. اما اهلش فرار می کنند، (و اگر چه صدا می زنند) که «بایستید! بایستید!»، لیکن احدی ملتفت نمی شود.

<sup>۹</sup>نقره را غارت کنید و طلا را به یغما برید زیرا که اندوخته های او را و کثرت هرگونه متاع نفیسه اش را انتهایی نیست.<sup>۱۰</sup> او خالی و ویران و خراب است و دلش گداخته و زانوهایش لرزان و در همه کمرها درد شدید می باشد و رنگ رویهای همه پریده است.<sup>۱۱</sup> بیشه شیران و مرتع شیران ژیان کجا است که در آن شیر نر و شیر ماده و شیر بچه می خرامیدند و ترساننده ای نبود؟<sup>۱۲</sup> شیر نر برای حاجت بچه های خود می درید و به جهت شیرهای ماده اش خفه می کرد و مغاره های خود را از شکار و بیشه های خویش را از صید پر می ساخت.

<sup>۱۳</sup>اما الآن یهوه صبايوت می گوید: «من به ضد تو هستم و ارابه هایم را به دود خواهیم سوزانید و شمشیر، شیران ژیان تو را هلاک خواهد ساخت و شکار تو را از زمین منقطع خواهیم نمود و آواز ایلچیانگت دیگر مسموع نخواهد شد.»

وای بر شهر خونریز که تمامش از دروغ و قتل مملو است و غارت از آن دور نمی‌شود! آواز تازیانه‌ها و صدای غرغر چرخها و جهیدن اسبان و جستن ارابه‌ها.<sup>۳</sup> سواران هجوم می‌آورند و شمشیرها براق و نیزه‌ها لامع می‌باشد و کثرت مجروحان و فراوانی مقتولان و لاشها را انتها نیست. بر لاشهای یکدیگر می‌افتند. <sup>۴</sup> از کثرت زنای زانیه خوش‌منظر که صاحب سحرها است و امته‌ها را به زناهای خود و قبایل را به جادوگریهای خویش می‌فروشد. <sup>۵</sup> اینک یهوه صباوت می‌گوید: «من به ضد تو هستم و دامنهایت را بر روی تو منکشف ساخته، عورت تو را بر امته‌ها و رسوایی تو را بر مملکت‌ها ظاهر خواهم ساخت. <sup>۶</sup> و نجاسات بر تو ریخته تو را ذلیل خواهم ساخت و تو را عبرت خواهم گردانید. <sup>۷</sup> و واقع خواهد شد که هر که تو را ببند از تو فرار کرده، خواهد گفت: نینوا ویران شده است! کیست که برای وی ماتم گیرد و از کجا برای تو تعزیه کنندگان بطلبیم؟»

<sup>۸</sup> آیا تو از نوآمون بهتر هستی که در میان نهرها ساکن بوده، آبها او را احاطه می‌داشت که دریا حصار او و بحرهای دیوار او می‌بود؟ <sup>۹</sup> حبش و مصر قوتش می‌بودند و آن انتها نداشت، فوط و لوبیم از معاونت کنندگان تو می‌بودند. <sup>۱۰</sup> معه‌ذا جلای وطن شده و به اسیری رفته است و اطفالش نیز بر سر هر کوچه کوبیده شده‌اند و بر شرفایش قرعه انداخته‌اند و جمیع بزرگان‌ش به زنجیرها بسته شده‌اند. <sup>۱۱</sup> پس تو نیز مست شده، خویشتن را پنهان خواهی کرد و ملجایی به سبب دشمن خواهی جست. <sup>۱۲</sup> جمیع قلعه‌هایت به درختان انجیر با نوبرها مشابه خواهد بود که چون تکانیده شود به دهان خورنده می‌افتد. <sup>۱۳</sup> اینک اهل تو در اندرون زنان می‌باشند. دروازه‌های زمینت برای دشمنانت بالکل گشاده شده، آتش پشت‌بندهایت را می‌سوزاند.

<sup>۱۴</sup> برای محاصره‌ات آب بیاور. قلعه‌های خود را مستحکم ساز. به گل داخل شو و ملاط را پا بزنی و کوره آجر پزی را مرمت نما. <sup>۱۵</sup> در آنجا آتش تو را خواهد سوزانید و شمشیر تو را منقطع ساخته، تو را مثل کرم خواهد خورد، خویشتن را مثل کرم کثیر کن و مثل ملخ بی‌شمار گردان. <sup>۱۶</sup> تاجران‌ت را از ستارگان آسمان زیادتر کردی. مثل کرمها تاراج می‌کنند و می‌پرنند. <sup>۱۷</sup> تاجداران تو مانند ملخ‌هایند و سردارانت مانند انبوه جراد اند که در روز سرد بر دیوارها فرود می‌آیند، اما چون آفتاب گرم شود می‌پرنند و جای ایشان معلوم نیست که کجاست. <sup>۱۸</sup> ای پادشاه آشور شبانانت به خواب رفته و شرفایت خوابیده‌اند و قوم تو بر کوهها پراکنده شده، کسی نیست که

ایشان را جمع کند.<sup>۹</sup> برای شکستگی تو التیامی نیست و جراحی تو علاج نمی‌پذیرد و هر که آوازه تو را می‌شنود بر تو دستک می‌زند، زیرا کیست که شرارت تو بر او علی‌الدوام وارد نمی‌آمد؟